



۱. از مجموع آنچه خواندیم چنین استفاده می‌شود که «میسر» در میان عرب به این نحوه تداول داشته است و فقط این نوع از قمار، میسر دانسته شده است. و ظاهر عبارات می‌تواند بر وحدت مفهومی، دلالت کند البته با توجه به معانی لغت که لغویون گفته‌اند و سایر استعمالات - از جمله آیه شریفه ۹۱ سوره مائده - می‌توان گفت یا بعدها این واژه به معنای مطلق قمار نقل یافته است و یا حکم سایر انواع قمار همانند میسر دانسته شده است. ابن عاشور بر الحاق حکمی تصریح داشت.

۲. اما نکته مهم آن است که چرا این عمل عرب، «قمار» دانسته شده است؟ و با توجه به اینکه فخر رازی تصریح دارد که بازیگران از گوشت نمی‌خورده‌اند و همه را به فقرا عطا می‌کردند، به عبارت دیگر اگر در قمار شرط است که کسی نفعی ببرد، در این نوع از میسر نفعی عائد بازیگران نمی‌شود.

این قلت: هویت قمار به این نیست که یکی از بازیگران نفعی ببرد، بلکه هویت قمار به آن است که بر اثر شانس، بازیگران چیزی را ببازند و در میسر، بر اثر شانس افراد مالی را می‌باخته‌اند. قلت: متبادر از قمار آن است که یکی برنده است و یکی بازنده و آنچه از میسر در کتاب‌های تفسیری خوانده شد، قمار نیست.

ان قلت: آنچه به برنده، عائد می‌شده است (چنانکه فخر رازی نوشته است)، «مدح و ثناء مردم» بوده است.

قلت: اولاً متبادر از قمار، چنین نوع از عائدی نیست بلکه باید آنچه عرفاً مال دانسته می‌شود، از قمار حاصل شود.

ثانیاً: مدح و ثناء انگیزه حضور در قمار بوده است و نه اینکه «ما به ازاء» قمار بوده باشد.

۳. به نظر می‌رسد، علت تحریم، آن بوده است که در آن زمان، افراد را مجبور می‌کرده‌اند که به سبب حفظ شرافت خود و اینکه متهم به بخل نشوند، بدون رضایت، داخل در چنین عملی شوند.

۴. اگر چنین گفتیم میسر اصلاً قمار نیست ولی این عمل باطل است و به نوعی هم می‌توان گفت که «لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل» خطاب به همه مردم از جمله فقراست که می‌فرماید مالی که در چنین کار باطلی حاصل آمده است نباید خورده شود.



۵. اللهم الا ان يقال: میسر به صراحت اهل لغت و اهل تفسیر و روایات - که خواهیم خواند - قمار است. (چنانکه کافی از امام کاظم (ع) نقل می کند که به صراحت می فرمایند «المیسر هو القمار»<sup>۱</sup> و یا امام هادی (ع) می فرمایند: «کل ما قومر به فهو المیسر»<sup>۲</sup>) و شاید جهت آن که آن سنت رایج عرب، قمار دانسته شده است، آن باشد که:

کسانی که تیرهای برنده را به دست می آورده اند، مالک جزور می شده اند و کسانی که تیرهای بازنده را به دست می آورده اند، پول جزور را پرداخت می کرده اند. و این، هویت قمار را حاصل می کند ولی سنت عرب آن بوده است که گوشت را به فقرا می داده اند.

به عبارت دیگر، در این عمل، دو عقد (یا شبه عقد) موجود بوده است، یکی قمار و دیگری هبه.

۶. با توجه به آنچه گفتیم می توان میسر را قمار دانست.

حال یا فقط آنچه در میان عرب رایج بوده است میسر است و بعدها سایر انواع قمار هم به سبب شباهت در حکم، میسر نامیده شده اند.

و یا میسر عنوان عام برای قمار است و اگر در آن روزگار به نوعی خاص میسر گفته می شده است، از باب «غلبه» بوده است.

۷. آیه شریفه ۳ سوره مائده هم که استقسام به ازلام (قسمت کردن گوشت به وسیله تیرهای چوبی) را تحریم کرده است، ناظر به همین بحث است.

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

ترجمه:

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۲۶

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۲۵



«گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیوانی که به غیر نام خدا ذبح شود، و حیوان خفه شده، و به زجر کشته شده، و حیوانی که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرد، و حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشد. و باقیمانده صید حیوان درنده- مگر آن که بموقع به آن شکار برسید و آن را سر ببرید- و حیوانی که روی بتها یا در برابر آنها ذبح می‌شود، همه بر شما حرام شده است؛ و همچنین تقسیم کردن گوشت حیوان بوسیله چوبه‌های تیر مخصوص بخت آزمایی؛ تمام این اینها، فسق و گناه است.- امروز، کافران از شکست آیین شما مأیوس شدند؛ بنابراین، از آنها نترسید؛ و از مخالفت من بترسید! امروز، دین شما را برایتان کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را بعنوان آیین جاودان شما پذیرفتم- اما کسانی که در حال گرسنگی، ناچار شوند، و تمایل به گناه نداشته باشند، مانعی ندارد که از گوشتهای ممنوع بخورند؛- خداوند، آمرزنده و مهربان است.»

۸. ظاهر آیه آن است که «أَنْ تَسْتَقْسِمُوا» فاعل «حَرْمَتٌ» است و لذا معنی چنین است که «استقسام به اِزْلَامٍ» حرام است. روشن است که استقسام، نوعی از قمار کردن است. پس آیه ناظر به حرمت تکلیفی قمار کردن است.  
اللهم الا ان يقال:

عطف این عنوان به موارد دیگر (که همه آنها اشاره به مأكولات و مشروبات دارد و اکل و شرب آنها را تحریم کرده است) مشعر به آن است که «آنچه از قمار به دست می‌آید» نباید مورد تصرف قرار گیرد.

و لذا آیه علاوه بر حرمت تکلیفی قمار کردن، حرمت تکلیفی تصرف در مال حاصل از قمار و حرمت وضعی قمار را ثابت می‌کند.

ان قلت: این استعمال لفظ «حرمت» در اکثر از معنا واحد است.

قلت:

اولاً: چنین استعمالی در کلام بلیغ جایز است (و درباره آن در مباحث اصول سخن گفته ایم)  
ثانیاً: در ما نحن فیه ممکن است بگوییم «حرمت» به معنای جامع استعمال شده است یعنی این شیء دارای حریم است و آزاد نیست و طبیعی است که لازمه آن احکام ثلاثه ای است که گفتیم.



۲. آیه دوم:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۹۰) إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ (۹۱) »

ترجمه:

« ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بتها و ازلام، پلید و از عمل شیطان است، از آن دوری کنید تا رستگار شوید. (۹۰) شیطان می‌خواهد بوسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. آیا با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید، خودداری خواهید کرد؟! (۹۱) »

توضیح:

۱. «رجس» خبر است برای خمر و لذا مفرد آمده است و بقیه اخوات خمر معطوف به مبتدا هستند.<sup>۱</sup>
۲. ضمیر «ه» در «فاجتنبوه»، به رجس برمی‌گردد و لذا شامل همه موارد گفته شده، می‌شود. و یا می‌توان گفت به «خمر» (مبتدا) برمی‌گردد و سایر موارد هم حکم با آن هستند و ممکن است بگوییم مرجع ضمیر «کل واحد» است که به همه موارد بازگشت می‌کند. همچنین ممکن است که ضمیر به «عمل شیطان» بازگردد.
۳. درباره ازلام سخن گفتیم و اما مراد از انصاب (بنا به نقل مرحوم طباطبایی) یا بُت است و یا سنگ‌هایی بوده است که برای اینکه قربانی روی آن واقع می‌شده، محترم بوده و به آن‌ها تبرک جسته می‌شده است.<sup>۲</sup>

ما می‌گوییم:

۱. اعراب القرآن الکریم، ج ۱، ص ۵۵۳

۲. المیزان، ج ۶، ص ۵۷



۱. اگر «میسر» را به معنای آلت قمار بگیریم در این صورت امر به اجتناب از میسر، ظاهراً به معنای حرمت تکلیفی منفعت غالبه آن است که همانا قمار کردن است و اگر میسر را به معنای «قمار کردن» گرفتیم، در این صورت، آیه صریح در حرمت تکلیفی قمار کردن است. ان قلت: آیه دوم را می توان دال بر حرمت تکلیفی تصرف در مال حاصل از قمار دانست. چرا که آنچه از آن عداوت حاصل می شود، تصرف در مال بازنده است.

قلت:

اولاً: بالوجدان، نفس بازی هم وقتی از حساسیت بالایی برخوردار باشد، باعث نزاع و عداوت می شود (حتی اگر نقل و انتقال در مالکیت نشود)

ثانیاً: ادامه آیه «قمار کردن» را باعث «صد عن ذکر الله» و «صد عن الصلاة» برشمرده است و روشن است که این نتایج بر نفس قمار مردن مترتب است (اگر بگوییم که این عبارت هم مربوط به آثار خمر و میسر است و البته همین معنا از آیه استظهار می شود)